

قلب تاریکی

جویریہ کنراد | مترجم: کاوہ نگارش (کاظم نحیفی)



۱۳۹۷



فهرست مطالب

۱ فصل اول
۶۹ فصل دوم
۱۲۱ فصل سوم

فصل اول

تجربه تفریحی تلی بدون جنبشی در بادبان‌هایش وارد لنگر گاه شد و
در حرکت مانند توفان اینک فرو نشسته و باد نسبتاً آرامی می‌وزید و قایق
که حالا در ساحل رودخانه لنگر انداخته بود باید منتظر آغاز مد می‌ماند.
گسترهٔ رو به دریای رودخانهٔ تمز در پیش روی ما به آغاز راه آبی
بر آبهای شایهت داشت. در دوردست‌ها پهنهٔ آسمان و دریا بی‌هیچ
واسطه‌ای به هم پیوند خورده و در آن فضای روشن قایق‌های باری که
عصر را آن‌ها را به جفش واداشته بود به نظر می‌رسید در زیر پوشش
توده‌های بادبان‌هایشان آرام ایستاده‌اند و در همان حال نوک قرمز رنگ
دکل‌هایشان برق می‌زد. از سواحل کم‌ارتفاع، مه رقیقی به سوی دریا در
جریان بود در بالای گریوزند، هوا رو به تیرگی می‌رفت و این تیرگی،
در فاصله‌ای دورتر، غلیظ‌تر و اندوه‌بارتر بر بالای بزرگ‌ترین شهر دنیا
بر هیچ تکتی ایستاده بود.

گرینویچ (Gravesend) شهری باستانی در شمال شرقی منطقه کنت انگلستان در حاشیهٔ
جبههٔ رودخانهٔ تمز واقع است و با مرکز لندن ۳۵ کیلومتر فاصله دارد. گریوزند در تاریخ
بسیار باستانی استراتژیک دارد و حکم دروازهٔ ارتباطی و دریایی جنوب شرقی انگلستان را
حکومت

مدیر شرکت‌ها سمت ناخدا و میزبان ما را به عهده داشت. ما چهار نفر با نگاه‌هایی سرشار از محبت به پشت سر او که در نقطه‌ای در قسمت عقب قایق ایستاده و به دریا می‌نگریست نظر دوخته بودیم. در تمام جوانب آن رودخانه هیچ کس چون او حالت اهل دریا را نداشت. به ناخدای کشتی‌ای می‌مانست که می‌توانست برای دریانوردان تجسمی از اعتماد باشد. به آسانی نمی‌شد گمان برد که محل کار او آن بیرون در دهانه خلیج روشن و شفاف نیست، بلکه او به پشت سر و به آن تیرگی غالبی که بر بندر سایه انداخته بود تعلق دارد.

پیش از این هم یک بار در جایی گفته‌ام که دریا رابط ما با او بود به علاوه، دوره طولانی دوری از هم سبب می‌شد که پرگویی‌های یکدیگر را تحمل کنیم و حتی از اصرار در عقاید خود نهراسیم. شخصی که حرفه و کالت را به عهده داشت و در میان رفقای قدیمی به سبب امتیازات و فضائل چندی که طی سال‌های گذشته از خود نشان داده بود از بهترین‌ها به شمار می‌رفت تنها بالش در دسترس بر روی عرشه را برداشته و بر فرش منحصر به فرد آنجا دراز کشیده بود. حسابدار جعبه‌ای از قطعات دومینو^۱ را با خود آورده و با مهارت معمار گونه‌ای مشغول چیدن تاس‌ها و شکل دادن به آن‌ها بود.

مارلو چهارزانو در قسمت پاشنه قایق نشسته و به دکل انتهایی تکیه داده بود. گونه‌های فرورفته‌ای داشت و رنگ‌ورویش به مهتابی می‌زد. پشتش صاف بود، چهره‌اش از زندگی سختی حکایت می‌کرد. بازوان

۱. دومینو نوعی بازی است که با کمک قطعات مکعب مستطیل شکل، شبیه دو عدد تاس به هم چسبیده تخته‌نرد، بازی می‌شود. نوع سنتی دومینو معمولاً با کمک ۲۸ قطعه انجام می‌گیرد که به آن‌ها استخوان، کارت، موزاییک، بلیت و سنگ نیز می‌گویند. پشت این قطعات طوری است که آن سوی دیگرش قابل تشخیص نیست. این بازی که کشور چین منشأ آن است در قرن هجده میلادی برای اولین بار احتمالاً توسط مسیونرهای مذهبی به ایتالیا و از آنجا به دیگر کشورهای اروپایی راه یافت و دستخوش تغییرات جدیدی شد.

